

پژوهش غیردانش آموزی!

لیلا سلیمه‌دار

دکتری برنامه‌ریزی آموزشی و معلم

اشاره
انجام پژوهش و مجهز بودن به تفکر پژوهشی برای هر یک از اصحاب تعلیم و تربیت، امری روشن است و ضرورت آن بیش از هر امر دیگری مورد قبول است. در این میان، صاحب‌نظران مناسب‌ترین آغاز را در راه آموزش، پژوهش دوران کودکی دانسته‌اند تا خمیرمایه تفکر پژوهشی در آنان ایجاد شده و شکل گیرد. چگونه می‌توان دانش‌آموزان را به مهارت‌های پژوهشی مجهز کرد؟ مناسب‌ترین فعالیت‌ها در این زمینه، چگونه باید شکل بگیرد؟ خانواده در این میان چه نقشی دارد و چگونه می‌تواند نقش خود را به درستی ایفا کند؟ این سؤالات و ده‌ها نمونه از این دست، تشکیل‌دهنده دومین بخش از سلسله مطالب دانش‌آموز، خانواده و تفکر پژوهشی است.

«روز سختی را پشت سر گذاشته بودم. جاهای بسیاری باید می‌رفتم و دست آخر هم با یک تلفن از عمه‌ی دخترم، قرار شد امشب مهمان داشته باشیم. دوست داشتم کمی استراحت کنم، ولی از ترس این که مبدا زمان لازم برای تهیه غذا و پذیرایی از مهمانان را از دست بدهم، فوراً شروع به کار کردم. دخترم که از مدرسه آمد، کلی تعریف و تمجید از مدرسه داشت. بعد هم با افتخار اعلام کرد تابلویی را که من در آن تحقیقی در مورد سهراب سپهری انجام داده‌ام و او به مدرسه برده بود، اول شده است.

خوب، خوشحال شدم. فکر می‌کردم قضیه به همین جا ختم شده است. اما او ادامه داد، حالا قرار است فردا برنامه‌ای در سطح منطقه برگزار شود و خانم معلم از من خواسته است تا تحقیقم را کامل کنم و آن را در یک جزوه‌ی حداقل ۲۰ صفحه‌ای ارائه دهم. با نگرانی و ناراحتی گفتم: «فردا؟ ولی این که ممکن نیست!»

درست یاد روزهای مدرسه‌ی خودم افتادم و دل‌شوره‌هایی که برای انجام تکالیفم داشتم. دخترم از ناراحتی من تعجب کرد و جواب داد: «خوب، این که کاری نداره. مگه شما برای درست کردن تابلو، تحقیق نکرده بودید؟ حالا باید همان‌ها را روی کاغذ بنویسی.» می‌خواستم بگویم که من مطالب را به صورت حاضر و آماده از اینترنت گرفته بودم. حالا بهتر است خودت این کار را انجام دهی. ولی یادم آمد که او هنوز کار با اینترنت را یاد نگرفته است.»

شاید شما هم حالت و احساس این مادر را تجربه کرده باشید. و البته ممکن هم هست که مادران و پدران دانش‌آموزان شما از این نوع تجربه‌ها داشته باشند. در هر حالت، امروزه انجام پژوهش‌های دانش‌آموزی از این نوع به معضلی تبدیل شده است که گریبان هر خانواده‌ای را می‌گیرد. در این شرایط، پژوهش دانش‌آموزی به پژوهش غیردانش‌آموزی تبدیل می‌شود. چرا چنین شرایطی فراهم شده است؟ آیا راه‌هایی برای مهار این وضعیت وجود دارد؟ در این صورت مناسب‌ترین راه چیست؟

عوامل مؤثر در ایجاد شرایط پژوهش غیردانش‌آموزی

عوامل بسیاری در ایجاد این شرایط دخیل هستند. تعدادی از این موارد به معلم مربوط است و تعداد دیگری به دانش‌آموز، و البته انتظارات نظام آموزشی هم در شکل‌گیری چنین رویدادی بی‌تأثیر نیست. گاهی هم برخلاف انتظار، این خانواده‌ها هستند که موجب چنین موقعیت‌هایی می‌شوند. در زیر به‌طور خلاصه مهم‌ترین عوامل ذکر می‌شود:

۱. عدم تناسب تکلیف در نظر گرفته شده با توانایی دانش‌آموز

دانش‌آموزی را تصور کنید که برای جمع‌آوری اطلاعات در یک موضوع خاص، از مهارت بالایی برخوردار نیست. برای مثال از او خواسته شده است تا برای نمایش مشاهدات خود از تابلوی مغناطیسی استفاده کند و او نمی‌داند که چگونه باید این کار را انجام دهد. یا این که درباره‌ی موضوعی از کتاب‌های گوناگون اطلاعاتی را گرد آورد، در حالی که با راه جمع‌آوری اطلاعات آشنا نیست. هنگامی که دانش‌آموز با چنین موقعیت‌هایی مواجه می‌شود، بدیهی



غیردانش آموزی
تبدیل شود.

است که برای این کار به افرادی مراجعه می‌کند که بتوانند این کار را برای او انجام دهند.

البته خانواده‌هایی نیز هستند که بیش از فرزندان خود به نحوه‌ی انجام فعالیت‌های درسی وی حساس هستند و با تصور این که ممکن است او نتواند به شایستگی از پس انجام آن برآید، پیش از او اقدام می‌کنند.



۴. عدم اختصاص زمان لازم برای فعالیت، متناسب با زمان انجام کار توسط دانش آموز

هنگامی که زمان انجام فعالیت به شکلی تعیین می‌شود که تنها افراد دارای تخصص و تبحر لازم می‌توانند در آن زمان آن کار را انجام دهند، در این صورت دانش آموز احساس می‌کند که نمی‌تواند در این مدت وظیفه‌ی موردنظر را به انجام برساند و از این رو کار را به دیگران واگذار می‌کند. البته گاهی هم دیگران برای این که بتوانند در موفقیت دانش آموز نقشی داشته باشند و او را از اضطراب برهانند، اقدام به انجام تکلیف می‌کنند.



۲. عدم تناسب پژوهش با علاقه‌ی دانش آموز

طبیعی است که بسیاری از فعالیت‌هایی که ما در طول زندگی خود انجام داده و می‌دهیم چندان مطابق میل ما نیستند، اما برای رسیدن به هدف، گریزی از انجام آن‌ها نیست. برای مثال، شاید انجام فعالیتی که زمان زیادی را می‌طلبد، به تنهایی کار جذابی برای دانش‌آموزان نباشد، یا این که ممکن است رفتن به مکانی ناشناخته و یا مصاحبه با فردی که دانش آموز سابقه‌ی آشنایی با او را ندارد؛ برای وی جالب نباشد. در چنین مواردی ایجاد انگیزش‌های دیگر و نیز فراهم ساختن شرایطی دل‌نشین در انجام کار می‌تواند تأثیرگذار باشد. در صورتی که این راه‌های تکمیلی رعایت نشوند، غیر از سر باز زدن از انجام فعالیت تنها گزینه‌ی پیش‌رو می‌تواند کمک گرفتن از خانواده و یا حتی جای‌گزین کردن آنان برای انجام تکلیف پژوهشی باشد.

۵. ظاهر غول‌آسای تکلیف پژوهشی

وقتی تکلیف پژوهشی به گونه‌ای در کلاس معرفی می‌شود که دانش‌آموز تصور می‌کند انجام آن، کار هر کسی نیست و فقط عده‌ای می‌توانند آن را به درستی انجام دهند، در این حالت کمک گرفتن از دیگران معقول به نظر می‌رسد. در حالی که اگر فقط یک بار امکان انجام آن تکلیف و یا فعالیت مورد انتظار در کلاس وجود داشته باشد،

۳. عدم تناسب وسایل و امکانات موردنیاز برای انجام فعالیت با امکانات دانش آموز

ممکن است انجام فعالیت، نیازمند وسایلی باشد و یا شرایطی را بطلبد که استفاده از آن‌ها تحت اختیار دانش‌آموز نبوده و با امکانات او تناسب نداشته باشد. برای مثال فعالیتی باید در یک محیط باز و با استفاده از مشاهده‌ی درختان انجام شود، در حالی که دانش‌آموز نمی‌تواند در چنین محیطی قرار گیرد. یا این که دانش‌آموز باید با کمک ابزار نجاری ساده تخته چوبی آماده کرده و با بهره از پارچه، تابلوی نمایی را بسازد، اما امکانات مورد نیاز را در دسترس نداشته باشد. در هر صورت هنگامی که دانش‌آموز نتواند به وسایل و امکانات لازم برای انجام فعالیت دسترسی داشته باشد، ناگزیر از دیگران می‌خواهد تا این کار را برای او انجام دهند و تکلیف پژوهشی دانش‌آموز به تکلیف



در این صورت این ظاهر ناممکن آن از بین خواهد رفت. برای مثال از دانش‌آموزان خواسته می‌شود با دو نفر از اطرافیان خود درباره‌ی موضوعی معین مصاحبه کنند. بدیهی است برای افرادی که تجربه چنین فعالیتی را نداشته‌اند، انجام این کار چندان ساده به نظر نمی‌رسد.

۶. عدم ایجاد جذابیت یادگیری از راه‌های گوناگون در دانش‌آموزان

گاهی یک راه و یا چند راه محدود توسط معلم به دانش‌آموزان معرفی شده و همواره از همان راه‌ها برای گسترش مهارت‌ها و یادگیری دانش‌آموزان استفاده می‌شود. در این صورت دانش‌آموزان با شیوه‌های گوناگون یادگیری کمتر آشنایی پیدا می‌کنند و به همین دلیل هنگامی که راه تازه‌ای برای انجام تکلیف پیش‌روی خود می‌بینند، رغبت چندانی به انجام آن نشان نمی‌دهند و به این ترتیب پای نفرت بعدی به میان می‌آید. برای نمونه، دانش‌آموزانی که همواره برای انجام تکلیف درس ریاضی به حل کردن نمونه سوالات دعوت می‌شوند، هنگام مواجهه با این تکلیف که باید برای حل مسئله، راه‌حل را شرح دهند و صدای خود را ضبط کند و به کلاس ارائه دهند، دچار احساس سردرگمی و ناآشنایی با آن می‌شوند. این ناآشنایی موجب می‌شود که احساس توان‌مندی آنان برای انجام فعالیت، زیرسؤال رفته و تلاش کنند دست کم اولین تجربه‌ها را با بزرگ‌ترها تجربه کنند. این در حالی است که دانش‌آموزانی که همواره در معرض روش‌های متنوع قرار می‌گیرند، به مراتب چنین احساسی را کمتر تجربه می‌کنند.

۷. دخالت نمره در انجام فعالیت پژوهشی

گاهی برای این که نتیجه‌ی بهتری از انجام فعالیت پژوهشی خارج از کلاس به دست آید، معلمان نمره‌ای را برای آن در نظر می‌گیرند. این کار هر چند می‌تواند به انجام مطلوب فعالیت منجر شود، اما از آن‌جا که مقصود از تکلیف، ایجاد بستری مناسب برای تعمیق، گسترش و یا آماده‌سازی یادگیری دانش‌آموز است و همراهی نمره با آن، اضطراب کسب نمره‌ی بالاتر را در دانش‌آموز ایجاد می‌کند؛ لذا انجام فعالیت موردنظر را با این شیوه از دستیابی به هدف تکلیف دور می‌کند و در برخی موارد برای ایجاد آرامش و اطمینان از کسب نمره‌ی بالا، دانش‌آموز را به کمک گرفتن از سایرین وادار می‌کند.

۸. رقابتی کردن و مسابقه‌ای بودن تکلیف پژوهشی

در برخی موارد نیز انجام فعالیت پژوهشی به منظور شرکت در یک مسابقه و یا به منظور برگزاری نمایشگاه و یا کنفرانس‌های دانش‌آموزی است که رقابت بین آن‌ها هدف نهایی است. در چنین حالتی اولین آسیب به تمرکز فعالیت‌ها بر کمیت، بیشتر از کیفیت است. اغلب آثار جمع‌آوری شده در این مسابقات در دانش‌آموزان با سنین پایین‌تر، از ظاهری پرفریب برخوردار است در حالی که در بسیاری از آنان یادگیری و یا مهارت‌ورزی خاصی در دانش‌آموز اتفاق نیفتاده است. به‌طور کلی رقابتی کردن هر نوع فعالیت که با مقصود یادگیری انجام می‌شود، می‌تواند لطمه‌ی بزرگی به همراه داشته باشد و آن، عدم ایجاد یادگیری در دانش‌آموزان است. در این‌جا ایجاد رقابت در انجام فعالیت‌های پژوهشی، قوی‌ترین انگیزه را برای کمک گرفتن از سایرین به منظور کسب رتبه‌های بالاتر ایجاد می‌کند. معمولاً فعالیت‌هایی از این دست بنا به درخواست مسئولان و بیشتر مواقع به منظور نمایشی از فعالیت‌های دانش‌آموزان برای افراد خارج از مدرسه انجام می‌شود. این در حالی است که آثار فعالیت‌های انجام شده به این ترتیب، به هیچ عنوان نمایان‌گر فعالیت‌های دانش‌آموزی نیستند. زیرا به تدریج و طی زمان آموزش و یادگیری، جمع‌آوری نشده‌اند و در واقع کارهای سفارشی هستند که تنها می‌تواند توجه عده‌ای را به خود جلب کند.

از آن‌چه مطرح شد، می‌توان نتیجه گرفت که بسیاری از آسیب‌های مربوط به انجام تکالیف پژوهشی به مواردی مربوط می‌شود که تحت کنترل مدرسه و معلم است و بنابراین برای رفع آن‌ها، نیازمند توجه ویژه برای شناسایی دلایل و عوامل هستیم. روشن است که عوامل مربوط به این مسئله تنها به عوامل ذکر شده محدود نمی‌شود و بنا به شرایط گوناگون می‌توان به ده‌ها عامل دیگر اشاره کرد. در این میان پرقدرت‌ترین عامل برای رفع موانع مربوط به یادگیری دانش‌آموزان از راه انجام تکلیف پژوهشی، معلم است. او می‌تواند فارغ از هرگونه ظاهرسازی فریبنده و تنها با تکیه با هدف والای یادگیری دانش‌آموز، از انجام فعالیت‌هایی که از این هدف به هر علتی دور هستند، پرهیز کند و به این ترتیب شاهد تأثیر‌گذاری بیشتر تکالیف پژوهشی در دانش‌آموزان باشیم.

